

مسئله حجاب در ترکیه از رهگذر تحلیل پرونده «لیلا شاهین» در دیوان اروپایی حقوق بشر

احمد مؤمنی‌راد،^۱ هاجر دانشور^۲

پذیرش مقاله: 1399/11/03

دریافت مقاله: 1399/08/06

چکیده

طی سالیان اخیر، موضوع ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه، سبب طرح مباحثی پیرامون حق آزادی مذهب و اظهار دین شده است. در این راستا، بستر این مباحث در جمهوری ترکیه واکاوی شد تا منشأ مقررات حجاب و حواشی آن شناسایی شود؛ از این رو تأثیر ممنوعیت حجاب بر زنان مسلمان ترکیه با محوریت سرگذشت لیلا شاهین، بررسی و دنبال شد. لیلا شاهین اوستا نمایندهٔ محجبهٔ پارلمان ترکیه، در سال 1998 پس از اجرای مقررات ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه، به قصد ادامهٔ تحصیل از ترکیه مهاجرت کرد. مراجعه به پروندهٔ مبارزات حقوقی پیگیرانهٔ او علیه مقررات منع حجاب اسلامی در دانشگاه‌های ترکیه، منبعی برای شناخت ابعاد حقوقی این مسئله به دست داده است. از این رهگذر کوشش شد به اتکای اعتبار داده‌های موجود در پروندهٔ انتشار یافته از سوی دیوان اروپایی حقوق بشر با عنوان لیلا شاهین علیه ترکیه، رویه قضایی و میدان منازعه بر سر ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه شناسایی شود. مذاقه در رأی دیوان، این دیدگاه را تقویت کرد که بدون توجه به بستر طرح مطالبات حقوق بشری، ارزیابی دقیق مشروعیت مطالبات میسر نخواهد شد.

واژگان کلیدی: دیوان حقوق بشر اروپایی، حجاب، ترکیه، لیلا شاهین، آزادی مذهب.

1. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران / momenirad@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

2. کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

حق اظهار دین و آزادی مذهبی یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری محسوب می‌شود که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به آن توجه شده است. دور از انتظار نیست که افراد بسیاری در جامعه ترکیه نیز این حق را مطالبه کنند و در مقابل محدودیت‌ها، واکنش نشان دهند.

جمهوری ترکیه از فروپاشی امپراتوری پیری برخاست که صدها سال بر مردمی با مذاهب و زبان‌های گوناگون حکومت کرده بود. امپراتوری اسلامی عثمانی، در جنگ جهانی اول متحمل شکست‌های متعدد شد و رو به فروپاشی نهاد. در ترکیه به مصطفی کمال پاشا، لقب «آتاتورک» یعنی پدر ترک‌ها داده‌اند، زیرا او را بنیان‌گذار جمهوری ترکیه می‌دانند. آتاتورک که در دوران عثمانی، طی جنگ‌های متعدد علیه دول مهاجم، با فرانسویان نیز رودررو شده بود، علاقه ویژه‌ای به انقلاب فرانسه داشت. این قول مشهور منتسب به آتاتورک که «ما از شرق آمده‌ایم اما به سوی غرب می‌رویم»، گویای زاویه نگاه اوست. اصلاحات کمالیستی اگرچه نوعی ملی‌گرایی محسوب می‌شد اما به سرعت مشخصات ضد مذهبی خود را بروز داد و جامعه مسلمان ترکیه را دگرگون ساخت. بخشی از آنچه امروزه با عنوان سکولاریسم تعریف می‌شود، نسخه‌ای ترکیه‌ای دارد و به ارزش‌های لائیک مشهور است. رواج به‌کارگیری واژه فرانسوی لائیسیتیه در ترکیه نیز از جمله نشانه‌های شیفتگی به فرانسه نزد بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه است. در ذهن مبتکران لائیسیتیه فرانسه، مدرسه از نمادهای اولیه دموکراسی و از پایگاه‌های مهم آموزش دموکراسی بوده است. به تعبیر آنان، مدرسه می‌تواند آزادکننده از تمام قیومیت‌های اجتماعی و همه جزم‌اندیشی‌ها از جمله اندیشه دینی باشد (جاوید، 1386: 149)؛ بنابراین مذهب‌ستیزی افراطی در ترکیه نیز به سرعت بر مراکز آموزشی سایه انداخت.

طی تحولات سیاسی چنددهه‌ساله، جمهوری جوان ترکیه - به‌رغم تعدیل‌هایی - سرانجام با اجرای مقررات مربوط به ممنوعیت حجاب در مراکز آموزش عالی، حساسیت نسبت به تحدید حقوق زنان مسلمان را تحریک کرد. مخالفان با انگیزه‌های گوناگون، تأثیر ممنوعیت حجاب اسلامی بر محرومیت زن محجبه از تحصیل را جدی برشمردند و با اعتراض به نقض حق تحصیل، احترام به زندگی خصوصی، آزادی مذهبی و رفع تبعیض را مطالبه کردند.

لیلا شاهین چهره شاخص مخالفت با ممنوعیت حجاب اسلامی در دانشگاه‌های ترکیه شد. وی

پس از ناکامی در محاکم داخلی مایوس نشد و برای احقاق حقوق زنان محجبه ترکیه به دادگاهی منطقه‌ای مراجعه کرد که حساسیت زیادی را برانگیخت. دادگاه حقوق بشر اروپایی که صلاحیت رسیدگی به شکایت اشخاص علیه دولت ترکیه به‌عنوان عضو متعاقد را دارد، طی رسیدگی به ادعای لیلا شاهین، به ابعاد قوانین و مقررات ممنوعیت حجاب در ترکیه پرداخت و استدلال‌هایی را براساس ماهیت جمهوری ترکیه ارائه داد.

از سوی خواهان، وجود ادله شرعی برای اثبات رابطه میان محرومیت از تحصیل و منع حجاب، مفروض اصلی طرح این دعوا بود. دولت وقت ترکیه نیز با ادعای تعقیب مقاصد مشروع، از اقدامات محدودکننده دولت در دادگاه دفاع کرد. تأمل بر آنچه طی قضاوت این دعوا گذشت، به نیت ارزیابی جایگاه اقدامات دولت ترکیه در قبال تعهدات خود به کنوانسیون حقوق بشر اروپایی انجام شده است. همچنین آشنایی با کیفیت داوری دادگاه حقوق بشر اروپایی در این پرونده، رویه رسیدگی این دادگاه به دعوای احتمالی آینده درباره اظهار دین را تا حدودی قابل‌پیش‌بینی می‌کند.

1. جمهوری ترکیه

شناسایی پیشینه مقررات مربوط به حجاب در جمهوری ترکیه، مرور تاریخچه‌ای از این کشور را می‌طلبد. این جست‌وجو با بازخوانی ظهور جمهوری ترکیه از فروپاشی خلافت عثمانی آغاز می‌شود. منشأ محدودیت پوشش، اراده کسانی است که ترکیه جوان را با ارزش‌های ویژه‌ای تعریف کرده‌اند.

1-1. میراث آتاتورک

جمهوری ترکیه کشوری اسلامی است. تقریباً 99 درصد از جمعیت ترکیه خود را مسلمان می‌شناسند و بیشترشان از اهل سنت هستند (Murphy, 2015: 299). مصطفی کمال پاشا ملقب به آتاتورک، بنیان‌گذار جمهوری ترکیه مصمم به مدرن‌کردن ترکیه بود و از نظر وی همین هدف، از بین‌بردن نفوذ اسلام بر جامعه را توجیه می‌کرد. آتاتورک روند مدرنیزاسیون خود را سکولاریسم نامید که بعدها به «کمالیسم» معروف شد (Bleiber, 2005: 134). مصطفی کمال، کار خود به‌عنوان یک رهبر سیاسی را با دانش نظری اندکی درباره سیاست، حکومت و اداره کشور آغاز کرد. او اصول انقلاب 1789 فرانسه را به‌عنوان ایدئال خود مطرح می‌کرد (هانی اوغلو، 1395: 122). برشردن نشانه‌هایی از جمله اصطلاحات کمالیستی مورد استفاده آتاتورک در دهه 1920، الغای خلافت در 1923، تحریم فینه،

روسی و سایر جامه‌های اسلامی در 1925، جایگزینی قانون خانوادگی شریعت با بخش‌هایی از قوانین مدنی سوییس و قوانین کیفری موسولینی در 1926، جایگزینی خط عربی ترکی عثمانی با الفبای لاتین در 1928 و کنار گذاشتن اسلام به‌عنوان دین رسمی دولت در 1928 (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، 1392: 47)، به شناخت ویژگی‌های تقابل بینش کمالیستی با دیدگاه اسلام‌گرایان کمک می‌کند.

در دوران حکومت عثمانی، مسلمانان و غیرمسلمانان در سرزمین ترکیه به طور یکسان تحت قوانین اسلامی و شهروندی بودند و لباسی مطابق وابستگی‌های مذهبی خود داشتند (Murphy, 2015: 300). همه دول مسلمان از جمله امپراتوری عثمانی از حجاب استفاده می‌کردند تا روابط جنسیتی را تنظیم کنند، اما قدرت‌های استعماری و امپریالیستی غربی، حجاب را برجسته‌تر کردند تا بتوانند اسلام و مسلمانان را متفاوت، عقب‌مانده و فرومایه نشان دهند (Vojdik, 2010: 676). جمهوری نوخاسته ترکیه در آغاز حیاتش به برجسته‌کردن تفاوت خود با عثمانی نیاز داشت و به‌سرعت سراغ تغییر چهره عمومی جامعه و شیوه زندگی مردم رفت؛ از این رو غرب‌گرایی عامل اصلی مشروعیت‌بخشی به اصلاحات کمالیستی به حساب می‌آمد. آتاتورک «تمدن اروپایی» را در سطحی قرار داده بود که باید ترکیه تمام تلاش خود را برای رسیدن به آن انجام می‌داد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، 1392: 47). به‌رغم اینکه قانون اساسی ترکیه در سال 1924 اعلام کرده بود که «دین کشور ترکیه اسلام است»، در اصلاح قانون اساسی در سال 1928 این بند حذف شد. در ادامه اصلاحیه سال 1937، سکولاریسم را اصل بنیادین قانون اساسی جمهوری ترکیه محسوب کرد (Bleiberg, 2005: 134). از آن زمان تاکنون، گروه‌هایی در برابر مذهب‌ستیزی افراطی به مقاومت برخاسته‌اند و در هر فرصتی جبهه تقابل با مظاهر اسلامی را به عقب رانده‌اند.

مقاومت مدنی با استفاده از روزنه‌های قانون، مانع از خشکاندن باورهای اسلامی ریشه‌دار در جامعه ترکیه شده است. در تقابل با تلاش‌های آتاتورک، گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا برای ساختن هویت مقاومت، حتی به روسری متوسل می‌شدند (Vojdik, 2010: 678). در مقابل، نظامیان ترکیه نیز هر بار که از تغییر موازنه قوا ناخرسند شده‌اند، به بهانه اصلاح انحراف از اصول جمهوری، اقدام به مداخله سخت در امور سیاسی کشور کرده‌اند. ارتش ترکیه همیشه رابطه نزدیکی با سیاست در ترکیه داشته است و شش نفر از هفت رئیس‌جمهور ترکیه در سال‌های 1923 تا 1989، از افسران بازنشسته ارتش بودند. نیروهای مسلح ترکیه از سال 1960 چهار بار (دو بار به طور مستقیم در 1960

و 1980 و دو بار به صورت غیرمستقیم در 1971 و 1997) با هدف تغییر دولت، در سیاست ترکیه مداخله کردند (لطفیان، 1388: 238). کودتای 1960 بر بستر نارضایتی‌های معیشتی به موفقیت رسید؛ از این رو موضع تندی علیه اسلام‌گرایی نداشت. پریشانی بیشتر اجتماعی و اقتصادی موجب کودتای نظامی دوم در سال 1971 شد و با آن تغییرات، اسلام سیاسی فرصت نفوذ بیشتر در سیاست ترکیه را یافت. حزب نجم‌الدین اربکان (حزب سلامت ملی)¹ که بارزترین نمونه حزب اسلامی در ترکیه توصیف می‌شود، تا زمان انحلال آن در 1980، به سومین بازیگر مهم دولت‌های ائتلافی ترکیه تبدیل شده بود (Bleiberg, 2005: 137). مرتبط با بحث حاضر، آثار دو کودتای موفق آخر (1980 و 1997) قابل ملاحظه هستند.

در 12 سپتامبر 1980، سومین کودتای تاریخ سیاسی ترکیه روی داد و بدون خونریزی دولت را ساقط کرد. کودتاچیان که با وعده آرامش، ثبات و رفاه اقتصادی و امنیت وارد کارزار سیاسی شده بودند، در پایان با دستگیری، زندانی و شکنجه‌کردن صدها هزار نفر از مردم و اعدام ده‌ها نفر، صحنه را به غیرنظامیان واگذار کردند. پس از تشکیل مجلس مؤسسان، قانون اساسی دیگری تدوین شد که امتیازهای ویژه‌ای برای ارتش در نظر داشت. این قانون اساسی نسبت به قانون اساسی 1961 بسیار اقتدارگرایانه‌تر بود؛ به این نشانه که ارتش در نتیجه کودتای 1980 ماده‌ای را در قانون اساسی گنجانده که به موجب آن، صلاحیت ارتش برای اقدام به کودتا به رسمیت شناخته شده بود و از جمله وظایف نیروهای مسلح به شمار می‌رفت (بصیری، 1396: 46). ژنرال کنان اورن² فرمانده مشهور کودتا بود. او اعتقاد داشت: «باید برای حفظ امنیت جامعه، حقوق شخصی را قربانی کنیم» (Bleiberg, 2005: 138).

کودتای نظامی 1980 که نواقص دموکراتیک ترکیه را برجسته می‌کرد، به تضعیف روابط این کشور با شورای اروپا منجر شد. ترکیه در واکنش به موضع اروپا، توجهش را به کشورهای اسلامی خاورمیانه معطوف کرد. این نزدیکی به حدی افزایش یافت که در سال 1984، برای نخستین بار از زمان آغاز به کار «سازمان کنفرانس اسلامی»، نماینده ترکیه در بالاترین سطح در کنفرانس سالانه شرکت کرد. کنان اورن، رهبر کودتای نظامی، در سطح ریاست‌جمهوری به آن کنفرانس (در مراکش)

1. Millî Selâmet Partisi (MSP)

2. Kenan Evren (1917-2015): در سال 2014 محاکمه و به حبس ابد محکوم شد.

ملحق شد (Yanik, 2011: 83). رشد ترکیه به خصوصی سازی اقتصاد نیاز داشت و همین به تقویت جامعه مدنی (به شمول مجامع اسلامی) یاری رساند. اصلاحات اقتصادی و سیاسی که در اواسط دهه 1980 تحت نظارت نخست‌وزیر تورگوت اوزال انجام شد، در تقویت نقش گروه‌های اسلامی نیز مؤثر بود. براساس رویکرد تحمل‌پذیرتر اوزال به دین، آزادی‌های بیشتری به گروه‌های مسلمان و اخوان^۱ داده شد و آن‌ها اجازه تأمین مالی ساخت مدارس و دانشگاه‌های خصوصی یافتند (Rabasa & Larrabee, 2008: 38-39).

برداشتن محدودیت فعالیت اسلام‌گرایان، اقتضای تحکیم روابط ترکیه با کشورهای اسلامی بود. باوجود این آنکارا قصد ورود به اتحاد سیاسی و نظامی با جهان اسلام نداشت؛ زیرا اتحاد ترکیه با ناتو چنین اجازه‌ای نمی‌داد (Aykan, 1993: 10). پس از گذار کودتاچیان به حکومت غیرنظامی، در سال 1988 دولت ترکیه روابط خود را با شورای اروپا عادی کرد (Yanik, 2011: 83). اینک ترکیه به مرحله نوینی وارد شده بود و اربکان نیز با استفاده از همین فرصت به عرصه بازگشت و این بار حزب «رفاه» را تأسیس کرد و به پشتوانهٔ علایق اسلامی مردم ترکیه، به دولت برگشت؛ اما در سال 1997 ارتش با اعمال فشار بر دولت نجم‌الدین اربکان، رهبر حزب اسلام‌گرای رفاه، دولتی را که کمتر از یک سال از عمر آن می‌گذشت، مجبور به استعفا کرد که در مطبوعات به «کودتای پُست‌مدرن» معروف شد (لوئیس، 1386: 17). حزب رفاه، روسری اسلامی را به‌عنوان پرچم تبلیغات سیاسی خود برگزیده بود و از آن زمان روسری به نماد بارز اسلام سیاسی در ترکیه تبدیل شده است (Vojdik, 2010: 679). چنین ارزیابی شد که اربکان با تأکید بر مسئله حجاب و گسترش فعالیت مساجد، نهادهای سکولار را نسبت به خود بدگمان کرده است. این سیاست‌ها همراه با پیشینهٔ ضد سکولاریستی اربکان، موجب وحشت نهادهای کمالیستی به‌ویژه نظامیان و سران دادگاه قانون اساسی ترکیه شد؛ به همین دلیل در 27 فوریه 1997 شورای امنیت ترکیه که در آن زمان به طور عمده تحت کنترل نظامیان بود، فهرستی از اقدام‌هایی که از نظر آن‌ها مغایر با گفتمان کمالیستی بود، ارائه کرد و از اربکان خواسته شد از گسترش این فعالیت‌ها جلوگیری کند. هنگامی که اربکان از اجرای این پیشنهادها شانه خالی کرد، نهادهای کمالیستی در مقابل گروه‌های اسلام‌گرا بسیج شدند و او را مجبور به استعفا کردند؛ بدین ترتیب حزب رفاه منحل شد و اربکان و نزدیکان او به مدت پنج سال از انجام

هرگونه فعالیت سیاسی منع شدند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، 1392: 54). کودتاچیان 1997 اگرچه همچون کودتای 1980 برای تثبیت به اعدام و شکنجه متوسل نشدند، اما این کودتا به اعمال جدی مجموعه دستوراتی انجامید که محصول کودتای 1980 بودند. مرتبط با پرونده لیلا شاهین، مسئله حجاب در مراکز آموزش عالی نیز یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کودتاچیان بود.

1-2. ممنوعیت حجاب در مراکز آموزش عالی

جمهوری ترکیه در بدو حیات به پوشش مردم حساسیت نشان داد. نخستین قانون تنظیم لباس در جمهوری ترکیه، قانون شماره 671 مورخ 28 نوامبر 1925 بود (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 8). آتاتورک به دنبال این بود که چهره اسلامی را با چهره‌های عمومی زنانی که غربی شده بودند، جایگزین کند؛ بنابراین از بین بردن روسری (پوشش اسلامی) یکی از اجزای مهم سکولاریزه کردن و غربی شدن ظاهر ترکیه شد. با پذیرش انتقادهای غربی‌ها و مستشرقین از حجاب به عنوان نمادی از عقب‌ماندگی، آتاتورک از مردم خواست از حجاب یا نقاب جلوگیری کنند: «در بعضی جاها زنانی را دیده‌ام که یک تکه پارچه یا حوله یا چیزی شبیه آن را بر چهره خود می‌گذارند... آقایان، آیا مادران و دختران یک ملت متمدن می‌توانند این شیوه عجیب و غریب، این وضعیت وحشیانه را اتخاذ کنند؟ این نمایشی است که ملت را به ریشخند می‌کشد، بلافاصله باید اصلاح شود» (Vojdik, 2010: 678).

آتاتورک در سال 1925 مردان را ملزم به پوشیدن نوع مدرن از کلاه نمودی کرد. قانون لباس در سال 1934 تمام لباس‌های مذهبی را بیرون از مکان‌های عبادت ممنوع اعلام کرد و دستورالعمل‌های خاصی برای لباس مناسب دانشجویان و کارمندان دولت تعیین شد (Bleiberg, 2005: 13). با وجود این، نابسامانی‌های کشور فرصت تخطی از این دستورات را به مردم می‌داد. براساس قانون خدمات آموزش و پرورش در 3 مارس 1924، وزارت آموزش و پرورش کنترل همه مدارس را به عهده گرفت و مدارس مذهبی تعطیل شدند (Bleiberg, 2005: 134).

با درگذشت آتاتورک و عدم محبوبیت جانشین وی، ترکیه تک‌حزبی به پایان رسید و سیستم چندحزبی در سال 1946 متولد شد. در سیستم جدید هر حزب تعریف خاص خود از سکولاریسم و سیاست‌های مربوط به بیان مذهبی را داشت و سیاست‌مداران و مقامات دولتی برای تحکیم و گسترش حمایت مردمی در انتخابات، شروع به استفاده از دین به عنوان ابزاری سیاسی کردند. در

غیاب آتاتورک، سیاست‌مداران از این فرصت استفاده کردند تا شکل افراطی سکولاریسم او را تعدیل کنند. حزب جمهوری خواه خلق که حزب خود آتاتورک است، شروع به کاهش محدودیت‌هایی کرد که بسیاری از اساسنامه‌های ضد مذهبی او وضع کرده بودند. برای مثال، دولت در سال 1947 به دانشکده‌های مذهبی خصوصی اجازه داد تا دوباره فعالیت کنند. اجازه بازگشایی مدارس برای آموزش امامان و یک بخش الهیات در دانشگاه آنکارا نیز صادر شد (Bleiberg, 2005: 136).

علاوه‌براین، جدی‌ترین قواعد مربوط به پوشش در مراکز آموزش عالی، مجموعه مقرراتی بود که چند ماه پس از کودتای 1980، در 22 جولای 1981 توسط هیئت دولت تصویب شد و کارمندان سازمان‌ها و مراکز عمومی و پرسنل و دانشجویان دختر در مراکز دولتی را به پوشیدن لباس‌های مدرن ملزم می‌ساخت. در 20 دسامبر 1982، هیئت عالی آموزشی نیز بخشنامه‌ای در ممنوعیت پوشیدن حجاب اسلامی در مراکز آموزش عالی صادر کرد. دادگاه عالی اداری طی حکمی در 13 دسامبر 1984، این بخشنامه را قانونی اعلام کرد (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 9). طرفداران این ممنوعیت، روسری را بیان بالقوه خطرناکی از اسلام سیاسی می‌دیدند، درحالی‌که مخالفان بر این باور بودند که پوشیدن روسری تعهدی شرعی است (Murphy, 2015: 302). در مارس 1989، نمایندگان مجلس قانونی به تصویب رساندند که بر مبنای آن، کسی حق جلوگیری از پوشش اسلامی دانشجویان را نداشت اما رییس‌جمهور نظامی، کنان اورن (مستول کودتای 1980) به اصرار لائیک‌ها و چپ‌گراها این قانون را وتو کرد و این امر موجب خشم زنان مسلمان و تظاهرات شد (سیاری، 1376: 50).

در 25 اکتبر 1990، بخش 17 قانون 2547 آموزش عالی لازم‌الاجرا شد. این قانون تصریح داشت: «انتخاب نوع پوشش از سوی دانشجویان در مراکز آموزش عالی آزاد است به این شرط که مقررات لازم‌الاجرا را در این زمینه نقض نکنند»؛ باین‌حال دادگاه قانون اساسی در رأی 9 آوریل 1991 آن را چنین تشریح کرد که بخش 17، پوشیدن حجاب اسلامی در مراکز آموزش عالی را مجاز ندانسته است زیرا این امر با اصول قانون اساسی ناسازگار است. این دادگاه تأکید کرد «عبارت قانون لازم‌الاجرا، به قانون اساسی اشاره دارد. پوشیدن حجاب اسلامی در مراکز آموزش عالی براساس باورهای دینی، با نظم اجتماعی سکولار سازگار نیست و نقض اصل برابری زنان و مردان محسوب می‌شود؛ بنابراین آزادی انتخاب پوشش مقررشده در این قانون، شامل آزادی انتخاب البسه نمادین دینی که مو و پیشانی فرد را بپوشاند، نخواهد بود» (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 11). پس از

انتخاب اربکان به‌عنوان نخست‌وزیر در سال 1996، نظامیان تلاش کردند و به دولت فشار آوردند که منع پوشش اسلامی در دانشگاه‌ها دوباره به اجرا گذاشته شود و این محدودیت به طور موقتی و محدود به اجرا درآمد (موسی‌زاده، 1386: 770). سرانجام در فوریه 1997، ارتش ترکیه طی «کودتای پست‌مدرن» اولتیماتومی خطاب به دولت صادر کرد و خواستار آن شد که همه مقامات غیرنظامی، مقررات ممنوعیت روسری را بدون استثنا اجرا کنند (Wiles, 2007: 709).

3-1. دانشگاه استانبول و اجرای مقررات منع حجاب

دانشگاه استانبول یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی ترکیه است. معماری این دانشگاه میراث دوران درخشان امپراتوری عثمانی در بزرگ‌ترین شهر این کشور محسوب می‌شود. در علامت دانشگاه تاریخ تأسیس این دانشگاه سال 1453 آمده است؛ یعنی سالی که سلطان محمد فاتح، قسطنطنیه را فتح کرد؛ بنابراین اهمیت آنچه در این دانشگاه مهم می‌گذرد، محدود به انعکاس مقررات ممنوعیت حجاب در مراکز آموزش عالی نیست، بلکه همواره در کانون توجه سراسر جامعه ترکیه قرار داشته است.

در پیوند با قوانین پس از کودتای 1980، مطرح‌شدن مباحثی در دانشکده پزشکی دانشگاه استانبول سبب شد هیئت‌مدیره دانشگاه استانبول، در 1 ژوئن 1994، اعلامیه‌ای درباره پوشش دانشجویان و کارمندان دانشگاه با این مضمون صادر کند: «شیوه پوشش در دانشگاه‌ها به موجب قوانین و مقررات لازم‌الاجرا تعیین شده است. دادگاه قانون اساسی، احکام متعددی درباره ممنوعیت استفاده از نمادهای مذهبی در دانشگاه‌ها صادر کرده است. این احکام بر کلیه دانشجویان دانشگاه و کادر علمی و اجرایی آن در هر سطح و درجه‌ای قابل اعمال هستند. کسانی که از مقررات مربوط به پوشش پیروی نکنند، اجازه حضور در بخش‌های اداری و آموزشی دانشگاه را نخواهند داشت». همچنین در 23 فوریه 1998، (چند ماه پس از کودتای پست‌مدرن)، بخشنامه‌ای از سوی رئیس دانشگاه استانبول درباره دانشجویان دارای ریش و حجاب اسلامی صادر شد: «به موجب قانون اساسی و قانون عادی و مقررات جاری و نظر به رویه قضایی دادگاه عالی اداری و «کمیسون اروپایی حقوق بشر» و بخشنامه‌های صادره از سوی هیئت اداری و اجرایی دانشگاه، دانشجویانی که حجاب اسلامی دارند یا با ریش ظاهر می‌شوند، دیگر در کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی پذیرفته نخواهند شد» (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 3-12).

دانشگاه استانبول در 9 جولای 1998 نیز دستورالعملی درباره چگونگی پوشش در دانشگاه صادر کرد: «دانشجویان دانشگاه استانبول باید قوانین و قواعد مربوط به پوشش را که طی تصمیمات دادگاه قانون اساسی و نهاد عالی قضایی مقرر شد، رعایت کنند. دانشجویان نباید در هیچ بخش از زیرمجموعه دانشگاه، لباس‌هایی بر تن داشته باشند که نماد دین، آیین، عقیده و دیدگاه سیاسی باشد» (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 12-13). اگرچه در منابعی از انگیزه مقابله با فعالیت گروه‌های چپ و تجزیه طلب سخن به میان آمده است اما دور از انتظار نیست که در جامعه‌ای با اکثریت قریب به اتفاق مسلمان، اثر این محرومیت‌ها، دامن‌گیر بسیاری شود که براساس باورهای اسلامی، پوشش و ظاهر خود را انتخاب می‌کنند؛ لایلا شاهین یکی از آنها بود.

2. لایلا شاهین در جست‌وجوی حق

اگرچه ایستادگی لایلا شاهین نخستین مقاومت علیه محدودیت‌های پوشش اسلامی در ترکیه نبود، بااین حال پیگیری‌های او به پذیرش دادخواست و صدور رأی دیوان حقوق بشر اروپایی انجامید. در 23 ژوئن 2004 و 10 نوامبر 2005 دیوان اروپایی حقوق بشر در دو مرحله نخستین و تجدیدنظر، جنجالی‌ترین و مناقشه‌انگیزترین آرای خود را در رابطه با آزادی مذهبی در قضیه لایلا شاهین علیه ترکیه صادر کرد (موسی‌زاده، 1386: 754) که متن رسمی پرونده آن امروزه یکی از اسناد معتبر جهت مطالعه پیرامون مسائل مربوط به مقررات حجاب در قوانین اعضای شورای اروپا محسوب می‌شود.

1-2. لایلا شاهین در ترکیه

خانم «لایلا شاهین» در سال 1973 در خانواده‌ای مسلمان به دنیا آمد. وی از خانواده‌ای مذهبی بود که به انجام تکالیف دینی از جمله حجاب توجه داشتند. لایلا که پنجمین سال از تحصیل خود در دانشکده پزشکی دانشگاه بورسا را می‌گذراند، در 26 اوت 1997، به دانشکده پزشکی «جراح پاشا»¹ دانشگاه استانبول راه یافت. او طی چهار سال تحصیل در دانشکده پزشکی بورسا، روسری بر سر داشت و تا فوریه 1998 نیز با همین پوشش مشغول به تحصیل بود. پس از صدور بخشنامه فوریه 1998 از سوی ریاست دانشگاه استانبول (ممنوعیت تحصیل دانشجویان محجبه یا ریش‌دار)، لایلا شاهین به سبب

1. دانشکده پزشکی جراح پاشا (cerrahpasa) دانشگاه استانبول، یکی از معروف‌ترین دانشکده‌های پزشکی ترکیه به شمار می‌رود.

حجاب اسلامی، با ممنوعیت ورود به آزمون کتبی چند واحد درسی، شرکت در کلاس و درخواست نام‌نویسی در یک واحد درسی مواجه شد (3: Leyla Sahin v. Turkey, 2005).

لیلا شاهین یکی از قربانیان اجرای مقررات منع حجاب در مراکز آموزش عالی بود که تصمیم گرفت برای احقاق حق به مراجع قضایی ترکیه متوسل شود. او در 29 جولای 1998، طی دادخواستی از دادگاه اداری استانبول تقاضا کرد تا بخشنامه 23 فوریه دانشگاه استانبول نقض شود. وی مدعی شد اجرای این بخشنامه با مواد 8، 9 و 14 کنوانسیون و ماده 2 پروتکل شماره 1 تعارض دارد و حقوق و آزادی‌های تضمین‌شده وی را نقض کرده است. دادگاه اداری استانبول در نتیجه قضاوت 19 مارس 1999 خود اعلام کرد براساس بند (ب) ماده 13 قانون آموزش عالی شماره 2547، ریاست دانشگاه به‌عنوان بازوی اجرایی دانشگاه مختار است به منظور حفظ نظم، بر پوشش دانشجویان نظارت کند. همچنین تأکید شد این قدرت نظارتی مطابق مقررات مربوط و احکام دادگاه قانون اساسی و دادگاه عالی اداری اعمال شود؛ از این رو با رأی دادگاه، بخشنامه صادره از سوی ریاست دانشگاه و اقدامات صورت‌گرفته علیه شاکی، غیرقانونی نیست. در 19 آوریل 2001 دادگاه عالی اداری، تقاضای تجدیدنظر را رد کرد.

بنا به گفته رئیس دانشکده، رفتار خانم شاهین در 26 می 1998، دال بر اصرار وی به حفظ پوشش اسلامی در دانشگاه بوده است و اطاعت از مقررات دیده نمی‌شد. رئیس دانشکده تصمیم گرفت موضوع پوشش اسلامی او را در هیئت انضباطی دانشگاه مورد بحث قرار دهد. در 15 فوریه 1999 تجمعی غیرقانونی بیرون از دفتر رئیس دانشکده پزشکی در اعتراض به قواعد مربوط به پوشش برگزار شد که شاکی نیز در آن حضور داشت. در 26 فوریه 1999، رییس دانشکده، رسیدگی انضباطی علیه چند تن از شرکت‌کنندگان در تجمع غیرقانونی از جمله شاکی را آغاز کرد. در 13 آوریل، هیئت انضباطی دانشگاه پس از استماع اظهارات لیلا شاهین، تصمیم گرفت وی را براساس بند 9 آیین دادرسی انضباطی دانشجویان، یک ترم معلق کند. در تاریخ 10 ژوئن، لیلا شاهین به دادگاه اداری استانبول مراجعه و تقاضا کرد دستوری مبنی بر توقف حکم تعلیق وی از تحصیل صادر شود. 30 نوامبر دادگاه به این تقاضای وی پاسخ منفی داد (4: Leyla Sahin v. Turkey, 2005).

با اجرای شدن قانون شماره 4584 در 28 ژوئن 2000 که مقرر می‌داشت: «... تمامی دانشجویانی که به واسطه تخلفات انضباطی‌شان مجازات شده‌اند، عفو می‌شوند»، لیلا شاهین هم عفو گرفت. در

28 سپتامبر 2000. دادگاه عالی اداری حکم داد که با اجرای قانون شماره 4584 در خصوص شاکي، بررسی تقاضای تجدیدنظر وی علیه حکم صادره در 30 نوامبر 1999 لازم نیست. در خلال این دعوا، لیلا شاهین در 16 سپتامبر 1999، از ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه مأیوس شد. او در دانشگاه وین اتریش ثبت‌نام کرد و تحصیلات خود را آنجا ادامه داد (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 5). در اتریش قانون خاصی علیه حجاب و پوشش اسلامی وجود نداشت. (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 15) اما وی ضمن ادامه تحصیل در دانشکده پزشکی دانشگاه وین، به مبارزه علیه مقررات دولتی ترکیه ادامه داد و به دادگاه اروپایی حقوق بشر مراجعه کرد.

2-2. لیلا شاهین در دادگاه اروپایی حقوق بشر

پس از اینکه شورای اروپا در پنجمین روز از ماه می سال 1949 با امضای ده کشور بنیان‌گذاری شد، ترکیه و یونان، نخستین کشورهایی بودند که تنها سه ماه بعد (اوت 1949) به بنیان‌گذاران شورای اروپا ملحق شدند. تمام اعضای شورای اروپا، به «کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»¹ نیز متعهد می‌شوند. ترکیه که یک سال پیش از تنظیم این کنوانسیون به عضویت شورای اروپا پذیرفته شده بود، عضو این کنوانسیون است.

لیلا شاهین به‌عنوان شهروند ترکیه مدعی بود به موجب مواد 8، 9، 10 و 14 کنوانسیون مذکور و ماده 2 پروتکل شماره 1 آن حقوقی دارد، اما این حقوق با عمل دولت آنکارا طی تصویب مقرراتی در زمینه پوشش اسلامی در مؤسسه‌های آموزش عالی، نقض شده است؛ بنابراین دعوایی نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرد (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 1). به استناد ماده 9 کنوانسیون، خواهان مدعی شد ممنوعیت پوشش اسلامی در مؤسسه‌های آموزش عالی، منجر به دخالت نامشروع در حق آزادی دین و به‌طور خاص حق اظهار دین وی شده است. شعبه رسیدگی دیوان هم تأیید کرد مقررات دانشگاه استانبول، در حق بر پوشش لیلا شاهین برای حفظ حجاب تأثیر گذاشته است و همچنین محدودیت‌های پوشش، دخالت در حق اظهار دین است، اما دیوان بر این عقیده تأکید کرد که محدودیت براساس قانون و مقررات بود و تعقیب یکی از مقاصد مشروع مقرر در بند دوم ماده 9 کنوانسیون محسوب می‌شود. به نظر دیوان، این اقدامات در جهت اهدافی است که برای داشتن یک جامعه دموکراتیک ضرورت دارد (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 18). دیوان در جمع‌بندی به

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome (1950)

این نتیجه رسید که ماده 9 کنوانسیون نقض نشده است (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 30). خواهان همچنین به نقض شدن ماده 2 پروتکل شماره 1 معترض بود. ماده‌ای که تصریح دارد: «نمی‌توان هیچ‌کس را از حق آموزش محروم کرد» (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 32). در رسیدگی به این ادعا نیز دیوان به این رأی رسید که در نتیجه محدودیت‌های مذکور، خواهان از حق آموزش محروم نمی‌شود و این ماده نقض نشده است (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 38). خواهان بیان داشت مقررات مورد اعتراض وی، حقوق مربوط به زندگی خصوصی و آزادی بیان را محدود کرده است و عمل تبعیض‌آمیز بوده است. با این استدلال، درخواست رسیدگی به ادعای نقض مواد 8، 10 و 14 کنوانسیون را مطرح کرد، اما دیوان نقض شدن این مواد را هم تأیید نکرد. ارزیابی دیوان تأثیر مستقیم محدودیت پوشش بر اعتقادات دینی لیلا شاهین را رد می‌کند و وضع این مقررات را برای حفظ نظم عمومی و آزادی‌های دیگران مشروع می‌شمرد؛ در نتیجه دیوان با ادعای تبعیض نیز همراه نمی‌شود (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 39).

حکم دادگاه 10 نوامبر 2005 منتشر شد و بدین ترتیب رسیدگی به ادعای لیلا شاهین، به تأیید ادعاهای او ختم نشد؛ با این حال، استدلال‌های این حکم و سرگذشت خواهان این پرونده همچنان منبع مفیدی برای مطالعه سازوکار دیوان اروپایی حقوق بشر و ابعاد کنوانسیون حقوق بشر اروپایی است.

3. تأمل بر قضاوت دادگاه اروپایی حقوق بشر

در مجموع دیوان به اشاره به گسترش گروه‌های بنیادگرا و استفاده از روسری به‌عنوان نمادی سیاسی، معتقد است محدودکردن این نمادها موجب حفظ نظم عمومی بیشتری می‌شود (موسی‌زاده، 1386: 761)؛ اما تأیید یا رد ادعاهای دادخواست لیلا شاهین، اعتبار قضات دیوان اروپایی حقوق بشر را تعیین نمی‌کند، بلکه باید از آن آموخت. آنچه دیوان طی استدلال‌های خود به آن اعتبار داده است، مجموعه اطلاعات مفیدی است که ضمن شناسایی ابعاد مسئله حجاب در ترکیه، در مطالعه طرح دعوای احتمالی دیگر نیز در آینده قابل رجوع است.

3-1. مفروض لیلا شاهین درباره حجاب اسلامی

براساس متن پرونده لیلا شاهین علیه ترکیه، مفروض ادعای وی، واجب بودن حجاب زن مسلمان در شریعت اسلام است. اساساً او در نتیجه عدم پیروی از مقررات ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های

ترکیه، با محرومیت از تحصیل مواجه شده بود. وی حجاب اسلامی را تکلیف عدول‌ناشدنی زن مسلمان می‌دانست و بر پایبندی به آن اصرار داشت، حتی اگر این اصرار به قیمت محرومیت از تحصیل تمام شود. براساس پذیرش این ادعا نتیجه‌گیری می‌شود که در اثر منع حجاب از زنان محجبه، در عمل جامعه ترکیه در آینده از نیروی زنان ماهر و کارآمد مسلمان در زمینه‌های پزشکی، مهندسی، آموزشی و غیره محروم می‌شود (موسی‌زاده، 1386: 781).

همچنین دادگاه در پرونده‌های اسمیت علیه بریتانیا، ایکس علیه بریتانیا و خان علیه بریتانیا، رویه و رویکردی را از خود نمایان ساخت؛ مبنی بر اینکه در زمینه اظهار دین، عملی را باید مورد حمایت قرار داد و آن را مغلوب ضرورت‌های اجتماعی نساخت که به موجب دین فرد ذی‌نفع، از ضروریات و از واجبات تخطی‌ناپذیر باشد (زمانی، 1393: 44)؛ اما به‌رغم ادعای لیلا شاهین درباره محرومیت از تحصیل بر اثر ممنوعیت حجاب اسلامی، اختلاف آرای علمای مشهور اسلامی، مطلق‌بودن چنین برداشتی از وجوب حجاب در شریعت اسلام را تأیید نمی‌کند.

رأی دادگاه حقوق بشر اروپایی درباره ادعای لیلا شاهین در سال 2005 صادر شد. در بحبوحه طرح دعوی وی علیه مقررات منع حجاب ترکیه، در فرانسه نیز مباحث مربوط به ممنوعیت نمادهای مذهبی بالا گرفت. در 15 مارس 2004، قانون ممنوعیت لباس و نمادهای مذهبی در مراکز آموزشی فرانسه رسمیت یافت که در مشروح پرونده نیز از سوی قضات دیوان به آن اشاره شده است (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 14).

شیخ محمد سید طنطاوی (1928-2010)، مفتی و امام مجمع اسلامی «الازهر» مصر، چند هفته پیش از رسمیت‌یافتن این قانون جنجالی، طی ملاقات خود با وزیر کشور وقت فرانسه که به مصر سفر کرده بود، اظهاراتی داشت که واکنش‌های بسیاری را برانگیخت، اما با وجود انتقادات از آن عدول نکرد. شیخ وقت الازهر در دسامبر 2003 طی دیدار با نیکولا سارکوزی گفت: «حجاب برای زنان مسلمان وظیفه‌ای الهی و واجب است و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را انکار کند؛ باین حال، وقتی زنان مسلمان تحت یک دولت اسلامی¹ زندگی کنند، این تعهد معتبر است. اگر زنان مسلمان خود را در یک دولت غیراسلامی (مانند فرانسه برای مثال) بیابند و قانون میزبان بخواهد مقرراتی در مخالفت با حجاب اتخاذ کند، محق است» (Jackson & Gozdecka, 2011: 104). استدلال طنطاوی مبتنی بر

تفسیرش از آیات قرآن است؛ به گونه‌ای که زنی که طبق قانون دولتی، از لباس منطبق بر دستورات دین خود منع شده است، نباید از مجازات الهی بترسد. به دنبال این استدلال، در جوامع سکولار و غیراسلامی مانند ترکیه یا فرانسه، پوشش زن تکلیف شرعی نیست، اما در جوامع غیراسلامی که به آزادی دین و عقیده احترام می‌گذارند، زنان مجاز به پیروی از تعهد خود برای پوشش هستند. البته منع لباس مذهبی در این کشورها توجیه‌پذیر نیست؛ مگر اینکه زمینه خاصی وجود داشته باشد که دخالت در اعتقادات مذهبی شخص را توجیه کند (طبق بند 2 ماده 9 کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی) (Jackson & Gozdecka, 2011: 105).

دیوان در رأی خود اذعان می‌کند اکثریت جمعیت ترکیه مسلمان هستند. طی رسیدگی به پرونده لیلا شاهین به این فتوای مفتی الازهر اشاره نشد و استدلال «صرف‌نظر از اینکه آیا روسری دستورالعملی اسلامی است یا خیر»، مطرح شده است (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 14)؛ باین حال تأکید مکرر و پُرشمار دیوان بر ماهیت سکولار حکومت ترکیه هم جایی برای «دولت اسلامی» دانستن ترکیه و استناد به لوازم آن باقی نمی‌گذارد؛ چنان‌که از سال 1928، عبارتی که اسلام را دین رسمی می‌دانست، از قانون اساسی برداشته شد. این فتوای مفتی الازهر، اعتبار استدلال لیلا شاهین درباره رابطه میان محرومیت از تحصیل با وجوب حجاب اسلامی را متزلزل می‌کند. همچنین پیش از این فتوای مفتی الازهر، در زمانی که مقررات جنجالی ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه توجه بسیاری را جلب کرده بود، فتوای مرتبطی از سوی یکی از مراجع تقلید شیعیان صادر شد. آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در سال 2001 (1380ش) درباره ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌های ترکیه، فتوایی ناظر به حکم ثانوی و به هنگام ضرورت، صادر کرد (داودی، 1395). اگرچه فتوای این عالم شیعه، منع حجاب در ترکیه را تأیید نمی‌کند، اما جواز واکنشی غیر از ترک تحصیل را صادر کرده است. متن استفتا و فتوا چنین است:

«سؤال: وظیفه خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرض‌های ذیل بیان فرمایید: (1) شرط طی کردن تمام ترم‌ها در دانشگاه‌های تحت مدیریت لاییک‌ها، رعایت نکردن حجاب شرعی است؛ (2) شرط اتمام چند ترم باقیمانده از رشته خاصی در دانشگاه رعایت نکردن حجاب است. پاسخ: با توجه به اینکه اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند، تنها افراد بی‌بندوبار و لامذهب پُست‌های مهم را اشغال می‌کنند، به افراد متدین اجازه داده می‌شود مسئله

حجاب را در زمینه مواردی که ضرورت دارد، رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت کنند» (مکارم شیرازی، 1386: 186).

به نظر می‌رسد از نظر این دو فقیه عالی‌قدر، قاعده فقهی «الضرورات تبيح المحظورات» در چنین موقعیتی مصداق می‌یابد. حتی با وجود همین دو فتوا، زن مسلمان دیگر نمی‌تواند ترک تحصیل را نتیجه محتوم قانون ممنوعیت حجاب اسلامی محسوب کند. اگرچه دیوان وارد جزئیات بررسی جایگاه حجاب در شریعت اسلام نشد و اعلام کرد مقررات مربوط به حجاب اسلامی را در تناقض با وابستگی‌های دینی خواهان نمی‌بیند، اما فرای دعوی حقوقی لیلا شاهین، «توجیه شرعی» رفتار او هم دشوار است؛ چون علمای اسلامی نیز بر شمول اثر وجوب حجاب در این موقعیت، اجماع ندارند. وجود اختلاف نظر میان علما، مانع از اعتبار این ادعاست که زن مسلمان مدعی شود «براساس شریعت اسلام، همواره حفظ حجاب بر ادامه تحصیل اولویت دارد».

بدین ترتیب همچنان درباره حق آزادی اظهار دین می‌توان از ممنوعیت پوشش اسلامی به‌ویژه در کشوری با اکثریت مسلمان انتقاد کرد، اما باید در نظر داشت ترک تحصیل و مهاجرت، انتخاب شخصی لیلا شاهین براساس قرائت مقبول خود از اسلام بود؛ قرائتی که در آن حجاب، تکلیف تخطی‌ناپذیر محسوب می‌شود؛ حتی اگر برخی علمای معتبر اسلام نظر دیگری داشته باشند. اگر عقیده لیلا شاهین را متعلق به مذهبی ناشناس هم بدانیم، نمی‌توان برای جلب احترام به آن زیر عنوان «آزادی نظر، عقیده و مذهب» استدلال حقوقی یافت، زیرا وقتی مقررات دولتی می‌توانند با ادعای نظم و منفعت عمومی، خلاف احکام یک دین فراگیر اتخاذ شوند، به‌آسانی مذاهب ناشناس را هم نادیده می‌گیرند.

3-2. دادگاه حقوق بشر اروپایی و حاشیه صلاحیت دولت‌ها

لیلا شاهین طی طرح ادعای خود، قانونیت و اعتبار مقررات منع حجاب در ترکیه را به چالش کشید. در یک سطح علیه صلاحیت ریاست دانشگاه جهت تقنین اعتراض داشت و در سطحی دیگر اعتبار مقررات وضع‌شده از سوی نظامیان مسلط را مورد تردید قرار داد. او با یادآوری کودتاهای مکرر ارتش در ترکیه، بیان کرد مفاهیم «جمهوری» و «دموکراسی» لزوماً یکسان نیستند و بسیاری حکومت‌های اقتدارگرا خود را «جمهوری» می‌نامند و منع حجاب اسلامی هم از جمله مقرراتی است که ارتشیان وضع کرده‌اند (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 23)؛ از این رو به ادعای لیلا شاهین، صلاحیت مراجع وضع این قوانین قابل تشکیک است.

دیوان با ملاحظه رویدادهای سال 1997 علیه حزب رفاه، طی پرونده منتشره از رأی صادره در پرونده لیلا شاهین، بیش از 10 بار به نام «حزب رفاه» اشاره کرده است. به‌رغم این، استدلال‌های دادگاه، تأیید مواضع نظامیان و ردّ موضع دولت اسلام‌گرای نجم‌الدین اربکان را مرتب دنبال می‌کند. دیوان معتقد است حجاب در ترکیه، ابزاری سیاسی در خدمت اسلام‌گرایان است و ارزش‌های جمهوری و صلح اجتماعی را تهدید می‌کند (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 21).

دیوان همه مقررات مورد اعتراض لیلا شاهین را مشمول مفهوم «قانون» می‌داند و آن‌ها را در تطابق با مفهوم قانون در متن کنوانسیون ارزیابی می‌کند (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 21). دیوان بر این دیدگاه پافشاری می‌کند که ممنوعیت حجاب به موجب قانون معتبر بود و همچنین در تعقیب یکی از مقاصد مشروعی است که بند دوم ماده 9 کنوانسیون مقرر کرده و برای حفاظت از ساختار جامعه سکولار ترکیه ضروری است. افزون بر این، دیوان این اقدام را متناسب با اهداف جامعه‌ای دموکراتیک برمی‌شمرد (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 18)؛ دیوان در بخش‌های مختلف رأی خود از ترکیه به‌عنوان یک کشور دموکراتیک، لاییک و متعهد به قانون اساسی یاد می‌کند. دیوان هرگز پیشینه تاریخ سیاسی معاصر ترکیه را یادآور نمی‌شود و از عباراتی مانند کودتا، دیکتاتور و حکومت نظامی در رأی خود استفاده نمی‌کند (موسی‌زاده، 1386: 765). همچنین توجه نمی‌کند که مقررات مورد اعتراض پس از کودتا وضع شده‌اند و تشخیص دولت مستقر را معتبر می‌شمارد؛ به عبارتی دادگاه حقوق بشر اروپایی (دیوان)، وفادار به روح حاکم بر معاهده حقوق بشر اروپایی (کنوانسیون) عمل می‌کند که حاشیه صلاحدید دولت‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر معاهده است.

حاشیه صلاحدید دولت‌ها به دیوان اجازه می‌دهد تصمیمات خود را با درج ترجیحات ملی یا منطقه‌ای در نظر بگیرد (Ostrovsky, 2005: 59). دیوان براساس ماده 19 کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، «به منظور کسب اطمینان از نظارت بر تعهدات طرف‌های معظم متعاهد کنوانسیون و پروتکل‌های مربوطه» تأسیس شده است و لذا عمل دولت‌ها به تعهداتشان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد؛ بنابراین تلاش برای پاسداری از اعتبار نظام تقنین و اجرای دولت‌ها، به‌مثابه حفاظت از صلاحیت همان مرجعی است که مسئولیت و توانایی ایفای وظایف و تکالیف معاهداتی را بر عهده دارد و تعهد به کنوانسیون را رسمیت بخشیده است.

حاشیه صلاحدید به دیوان اجازه می‌دهد تا نه‌تنها در قلمرو کاملاً انتزاعی جهانی‌گرایی فعالیت

کند، بلکه به عمق بیشتری نسبت به سطح اعمال قانون نگاه کند. این امر منطقی است زیرا این دکتربین در ابتدا از قانون اداری آلمان وام گرفته شد که مشابه دکتربین شورون¹ در ایالات متحده است و بر همین فرایند تأکید دارد. حاشیه صلاحیت در ایده تعهد قوه قضاییه برای دادن اختیارات به دولت اداری به منظور تنظیم اقدامات اجرایی ریشه دارد و قانون‌گذار عامدانه نفوذ آن قدرت نظارتی را مبهم کرده است. در اصل، حاشیه صلاحیت به دیوان اجازه می‌دهد کنوانسیون را قانونی کلی دقیقاً مانند قانون اساسی در نظر بگیرد (Ostrovsky, 2005: 59). حتی طی تعریف دکتربین صلاحیت دولت‌ها، برخی صاحب‌نظران بر ایفای نقش دیوان حقوق بشر اروپا متمرکز شده‌اند. از نظر چارلز یورو دکتربین صلاحیت دولت‌ها عبارت است از آزادی برای مانور یا فضای بازی که دیوان استراسبورگ به مجموعه‌های قضایی، تقنینی و اداری اعطا می‌کند؛ پیش از آنکه اعلام کند نقض کنوانسیون صورت گرفته است. استیون گرر از دکتربین صلاحیت دولت‌ها به‌عنوان اتاقی برای مانور که دیوان استراسبورگ برای دولت‌ها در اجرای تعهدات‌شان فراهم می‌کند، نام می‌برد (موسوی و امین رعیا، 1393: 98).

کنوانسیون در بند 2 ماده 9، آزادی نظر، عقیده و مذهب را با قید قانون داخلی، برای مشخص کردن محدوده حق اظهار دین به رسمیت می‌شناسد. نه‌تنها در این ماده مورد بررسی بلکه در مواد متعدد، حاشیه صلاحیت دولت‌ها در کنوانسیون محترم شمرده می‌شود. ماده 15 حتی معافیت و تعلیق پاره‌ای از تعهدات در حالت فوق‌العاده را پذیرفته است. در کنوانسیون، حقوقی از جمله ممنوعیت شکنجه و ممنوعیت بردگی به طور مطلق پذیرفته شده‌اند، اما چند حق دیگر با قانون ملی و صلاحیت دولت‌ها محدود می‌شوند. حق آزادی و امنیت²، حق برخورداری از محاکمه عادلانه³، حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی⁴، حق آزادی بیان⁵، حق آزادی اجتماعات و تشکله‌ها⁶ و حق ازدواج⁷ حقوقی هستند که محدوده آن‌ها را قانون ملی تعیین می‌کند. حتی درباره حق حیات⁸ در کنوانسیون حقوق بشر اروپایی، حاشیه صلاحیت دولت‌ها لحاظ شده است و ممنوعیت مجازات

1. Chevron Doctrine

2. Convention for the Protection..., Article 5.

3. Convention for the Protection..., Article 6.

4. Convention for the Protection..., Article 8.

5. Convention for the Protection..., Article 10.

6. Convention for the Protection..., Article 11.

7. Convention for the Protection..., Article 12.

8. Convention for the Protection..., Article 2.

اعدام به پذیرش و تصویب پروتکل‌های شماره 6 و 13 موکول می‌شود.

پروتکل‌های شماره 6 و 13، پروتکل‌های الحاقی هستند، نه اصلاحی و به همین دلیل آثار حقوقی متفاوتی بر آن‌ها بار می‌شود. چنانچه این پروتکل‌ها واجد وصف اصلاحی بودند، متن اولیه (ماده 2) کنوانسیون را تغییر داده، نظام حقوقی منسجمی را برای کلیه کشورهای عضو پدید می‌آوردند، اما الحاقی بودن این پروتکل‌ها آزادی عمل بیشتری به کشورهای عضو اعطا می‌کند (داشاب، 1385: 75). اگرچه طی «بیانیه مشترک نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی و دبیرکل شورای اروپا در روز جهانی و اروپایی علیه مجازات اعدام» در 10 اکتبر 2018، ادعا می‌شود «... ممنوعیت مطلق مجازات اعدام در همه شرایط در پروتکل‌های شماره 6 و 13 کنوانسیون حقوق بشر اروپا و منشور حقوق بنیادی اتحادیه اروپا تصریح شده است»، اما در متن پروتکل‌های 6 و 13 تصریح به این اطلاق دیده نمی‌شود و همچنان اعمال ممنوعیت صدور حکم اعدام، وابسته به اراده دولت‌هاست.

در این رابطه ماده 2 «پروتکل شماره 6 در زمینه الغای مجازات اعدام»، مجازات اعدام را تنها در زمان صلح لغو می‌کند و این مجازات در زمان جنگ یا خطر قریب‌الوقوع همچنان جایز است. پروتکل شماره 13 عمومیت دارد و همه زمان‌ها را دربرمی‌گیرد؛ با این حال نقص عمده پروتکل شماره 6، ماده 5 آن با عنوان «اعمال سرزمینی» است. این ماده که می‌توان از آن به عنوان وجه مشترک تمام پروتکل‌های الحاقی نام برد، از ماده 56 کنوانسیون حقوق بشر اروپایی برگرفته شده است. به موجب بند نخست ماده 5 پروتکل: «هریک از دولت‌ها می‌توانند در زمان امضا یا تسلیم سند، تصویب، قبول یا تأیید، سرزمین یا سرزمین‌هایی را که پروتکل نسبت به آن‌ها اعمال می‌شود، تعیین کنند» (داشاب، 1385: 83). ماده 4 پروتکل شماره 13 نیز همین بند را تکرار کرده است. تدوین‌کنندگان پروتکل شماره 13 استدلال کردند «هدف از گنجاندن این ماده، سرعت‌بخشیدن به تصویب، پذیرش و الحاق از سوی دولت‌ها بوده است» (داشاب، 1385: 86). کنوانسیون در ماده 56 قابلیت اعمال سرزمینی را به هر کشوری در زمان تصویب کنوانسیون یا در هر زمان پس از آن، به اختیار دولت‌ها سپرده است. ماده 57 تحدید تعهد دولت‌ها را می‌پذیرد و ماده 58 حق فسخ را در نظر گرفته است.

دیوان براساس ماده 34 کنوانسیون، رسیدگی به درخواست شخص حقیقی علیه یک طرف معظم متعاقد را پذیرفت و در ضمن نسبت به دیگر مواد کنوانسیون و روح حاکم بر آن بی‌اعتنا نبود. طی قضاوت پرونده لیلا شاهین علیه ترکیه، دیوان برای فراهم کردن بستر استدلال‌هایش، با شرح تاریخ و

پس‌زمینه جمهوری ترکیه حتی به دوران پیش از آتاتورک هم اشاره دارد تا اصلاحات کمالیستی را برشمرد و ماهیت سکولار جمهوری ترکیه را ثابت کند (Leyla Sahin v. Turkey, 2005: 8). به عبارتی حفاظت از حق حاکمیت طرف متعاقد، طی رسیدگی به هر ادعایی مد نظر قرار می‌گیرد. جالب اینکه مقدمه کنوانسیون، «وجود یک نظام سیاسی مردم‌سالارانه مؤثر» را روشی برای تأمین آزادی‌های اساسی می‌داند و تفسیر موسع از نظام‌های مردم‌سالار شورای اروپا، حتی نظام حاصل از کودتاهای ارتش در ترکیه را نیز شامل شده است.

3-3. پس از رأی

درحالی‌که پرونده لایلا شاهین علیه اقدامات کودتاگران جریان داشت، هم‌قطاران اربکان هم در جبهه دیگری مشغول بودند. ایشان ابتدا «حزب فضیلت» را تأسیس کردند. حزب فضیلت متشکل از اسلام‌گرایان و دموکرات‌های مسلمان بود و در سال 1999 در انتخابات عمومی، 15/4 درصد و در انتخابات محلی 18/4 درصد آرا را کسب کرد. اگرچه این حزب از ظاهر ایدئولوژی حزب منحلّه رفاه فاصله گرفت، اما از چشم هژمونی کمالیستی، آن‌قدر کار نکرده بود که با چشم‌انداز اسلام‌گرایی حزب ممنوعه اربکان تفاوتی کند؛ در نتیجه حزب فضیلت هم مجبور به تعطیلی شد.

در 22 ژوئن 2001، دادگاه قانون اساسی حزب فضیلت را به دلیل ادامه یک حزب ممنوعه و مطابقت‌نداشتن کامل با لائیسزم ترکیه، محکوم دانست. ممنوعیت دادگاه قانون اساسی همراه با انشقاق در درون حزب فضیلت، راه را برای تشکیل دو حزب سیاسی جدید هموار کرد. دوستان قدیمی اربکان با تأسیس حزب «سعادت» که به حمایت از ایدئولوژی اربکان ادامه می‌داد، به این ممنوعیت پاسخ دادند؛ درحالی‌که دموکرات‌های مسلمان به طور رسمی یک حزب دموکراتیک محافظه‌کار راست‌گرا تأسیس کردند. آن‌ها حزب خود را «حزب عدالت و توسعه» نامیدند (Yilmaz & Barton & Barry, 2017: 55). حزب عدالت و توسعه، با چهره سرشناس خود رجب طیب اردوغان در نخستین انتخاباتی که شرکت کرد به پیروزی رسید.

در اولین انتخابات عمومی پس از شکوفایی اسلام‌گرایان ترکیه در نوامبر 2002، حزب عدالت و توسعه با موفقیتی چشمگیر، 34/4 درصد آرا را به دست آورد. این حزب از زمان انتخابات نوامبر 2002 بر کرسی قدرت سیاسی تکیه داده است (Yilmaz et al., 2017: 55). آقای اردوغان، رهبر

حزب عدالت و توسعه، سابقه شهرداری استانبول بزرگ را در کارنامه دارد و از اعضای سرشناس حزب رفاه هم بود. او مدافع سرسخت شرع شناخته می‌شود و همچنین طرفدار پوشیدن روسری در دانشگاه‌هاست. آقای اردوغان پس از پیروزی در انتخابات و به قدرت رسیدن گفت که «تغییر کرده است» و تبدیل به «یک سیاست‌مدار محافظه‌کار» شده است، اما مخالفان وی استدلال می‌کنند که وی اقدام به «تقیه» کرده است و این روشی در اسلام سیاسی برای پنهان کردن اعتقادات فرد تا رسیدن به هدف جایگزینی نظم قانونی موجود با شرع است (Ozsunay, 2005: 1117).

اردوغان در 6 دسامبر 1997 در جلسه‌ای که توسط حزب رفاه ترتیب داده شده بود، ضمن سخنرانی از شاعر مشهور ترک، ضیاء گوک آلپ¹ نقل قول کرد: «مناره‌ها سرنیزه‌های ما، گنبدها کلاه‌خودهای ما، مساجد پادگان‌های ما و مؤمنان سپاهیان ما هستند» (Sus, 2012: 226). با همین بهانه، اردوغان در سال 1998 به جرم اقدام علیه ارزش‌های سکولار جمهوری ترکیه محکوم به زندان شد؛ بنابراین به‌رغم پیروزی حزب عدالت و توسعه، اردوغان صلاحیت قانونی زمامداری سیاسی را نداشت؛ با این حال، عبدالله گل از رهبران حزب عدالت و توسعه به‌عنوان نخست‌وزیر عمل کرد تا اینکه پارلمان، قانون اساسی را تغییر داد و اردوغان اجازه یافت در مارس 2003 جایگزین نخست‌وزیر شود (Toros, 2010: 255).

در حال با چیرگی حزب عدالت و توسعه، تغییر آغاز شد. در سال 2003، نسبت غیرنظامیان به افسران نظامی در شورای امنیت ملی افزایش یافت و یک غیرنظامی به‌عنوان رییس دبیرخانه شورای امنیت ملی انتخاب شد. رهبری ارتش در ادامه به مذاکره درباره تغییرات در موضوعات دیگر از جمله معرفی نظارت غیرنظامی بر هزینه‌های نظامی و حذف قوانینی که استقلال ارتش را تقویت کرده است، پرداخت (Aydinli & Ozcan & Akyaz, 2006: 88).

در ژوئیه 2007، انتخابات عمومی برگزار شد و عبدالله گل این بار سمت ریاست‌جمهوری را به دست آورد و برای نخستین بار در تاریخ جمهوری ترکیه، دفتر رییس‌جمهور به دست یک سیاست‌مدار با پیشینه اسلام‌گرایی افتاد. علاوه بر این، برای نخستین بار در تاریخ دولت سکولار ترکیه، بانوی اول روسری بر سر می‌کرد. البته مراسم سوگند عبدالله گل، در غیاب رییس ستاد کل ترکیه و احزاب مخالف برگزار شد (Sus, 2012: 230). در سال 2008، دولت اردوغان اصلاحاتی با هدف

آزادی حجاب در دانشگاه‌ها در پارلمان به تصویب رساند. یک سال پیش از آن، حزب عدالت و توسعه، 47 درصد آرای مردمی را در انتخابات ملی به دست آورده بود. «آک پارتی» در تلاش بود تا ممنوعیت روسری را به چالش بکشد، اما نه به عنوان یک موضوع دینی بلکه به عنوان نقض حقوق اساسی. در سال 2008 پارلمان ترکیه به اصلاح قانون اساسی برای لغو ممنوعیت روسری رأی داد اما این اصلاحات بلافاصله توسط حزب جمهوری خواه خلق (حزب آتاتورک) به چالش کشیده شد. در ادامه، دادگاه قانون اساسی ترکیه رأی به لغو اصلاحیه قانون اساسی داد؛ با این استدلال که اصلاحات نقض اصول قانون اساسی سکولار هستند (Vojdik, 2010: 671).

بالاگرفتن دعوای قضایی متعدد میان حزب اردوغان و مخالفان، راه را برای محاکمه و زندانی کردن تعدادی از بازنشستگان عالی رتبه و سربازان نظامی کودتاهای گذشته باز کرد. سپس همه‌پرسی 12 سپتامبر 2010 و انتخابات سال 2011 ضربه مهلکی را به ساختار قدرتی وارد کرد که پسماند دوره تسلط کمالیستی بود. این موارد برای تضعیف اعتبار ارتش و محدود کردن قدرت دفاکتوی آن به سود سیاستمداران منتخب انجام شد. همه‌پرسی قانون اساسی سال 2010، به هژمونی نظامی و قضایی کمالیستی در مورد اجرائیه که از زمان کودتای نظامی 27 می 1960 در قانون اساسی درج شده بود، خاتمه داد (Yilmaz et al., 2017: 57).

اردوغان دختران خود را به ایالات متحده آمریکا فرستاده بود تا دانشگاه را در آنجا ادامه دهند زیرا آن‌ها تصمیم داشتند روسری بپوشند (Bleiberg, 2005: 163)؛ اما همه کسانی که مثل ایشان فکر می‌کردند این توان مالی و فرصت را نداشتند تا اینکه سرانجام تنها چند سال پس از صدور رأی پرونده لیلا شاهین در دیوان اروپایی حقوق بشر، جمهوری ترکیه محدودیت‌های خود در مورد لباس مذهبی را تعدیل کرد. در سپتامبر 2010، دولت اعلام کرد از هر دانشجویی که به علت پوشاندن سر اخراج یا جریمه شده باشد، حمایت می‌کند. این حمایت پس از فشارهای سیاسی علیه ممنوعیت روسری و کارزاری تبلیغاتی علیه مقررات محدودکننده دانشگاه استانبول صورت گرفت. اردوغان نخست‌وزیر، پس از پیروزی در همه‌پرسی قانون اساسی و با کسب سرمایه سیاسی لازم، به سیاست طولانی و پُردردسر ممنوعیت روسری در مدارس و دانشگاه‌های ترکیه پایان داد. در سال 2013، ترکیه مقررات منع روسری در ساختمان‌های دولتی را هم لغو کرد (Murphy, 2015: 304).

مروه کاواکچی^۱ نخستین نماینده زن منتخب مجلس بود که در ۲ می ۱۹۹۹ برای شرکت در مراسم سوگند افتتاحیه با روسری وارد مجلس شد. هیاهو شد و نخست‌وزیر جدید به تریبون پرید و در مورد اصول سکولار جمهوری ترکیه و تحمل‌ناپذیر بودن کسانی که به دنبال بازگرداندن دوران تاریکی بودند، سخن گفت. درحالی‌که وی فریاد می‌زد، اکثریت مجلس بر میزها می‌کوبیدند و علیه کاواکچی محجبه شعار می‌دادند «بیرون، بیرون...» رئیس مجلس مجبور به فراخوانی شد و کاواکچی بدون اینکه سوگند یاد کند، از مجلس خارج شد و دیگر هیچ‌گاه نتوانست کرسی نمایندگی خود را به دست آورد (Yildirim, 2012: 61)؛ اما اکنون ترکیه چهره دیگری دارد. خانم لیلا شاهین خود نماینده مجلس ترکیه شده است و با حفظ حجاب، مردم قونیه را نمایندگی می‌کند. او تحصیلات پزشکی خود را در دانشگاه وین به پایان رساند و به عضویت حزب عدالت و توسعه درآمد. به استناد پایگاه رسمی مجلس ملی جمهوری ترکیه، وی معاونت حقوق بشر رئیس‌جمهور و سخنگویی کمیسیون حقوق بشر را هم در رزومه دارد.^۲

ارتش ترکیه در سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰، ۱۹۹۷ به خاطر حقی که آتاتورک برای محافظت از جمهوری ترکیه و حفاظت از ارزش‌های کمالیستی به موجب قانون اساسی به ارتش واگذار کرده بود، بارها دست به کودتا زده است، ولی با به‌قدرت‌رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۳، این کشور گذار واقعی به دموکراسی و مردم‌سالاری را هدف گرفت. حزب عدالت و توسعه از راه‌های قانونی و اصلاح قانون اساسی تصویب‌شده در زمان کودتاهای نظامی، راه‌های منتهی به کودتا را در این کشور بست، ولی ارتش برای بار پنجم در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ وارد عمل شد و دست به کودتای نظامی دیگری علیه حزب عدالت و توسعه زد (بصیری، ۱۳۹۶: ۳۹). تقابل سیاسی در ترکیه ادامه دارد و تعبیرات از مقررات حقوق بشری تابعی از اراده سیاسی است.

نتیجه‌گیری

رویه دیوان حقوق بشر اروپایی در پرونده لیلا شاهین، به این دیدگاه اعتبار می‌بخشد که مشروعیت هر مطالبه حقوق بشری، متناسب با بستر حقوقی و زمینه‌های داخلی از جمله قوانین ملی ارزیابی می‌شود. پس از کودتای پست‌مدرن علیه حزب رفاه، لیلا شاهین از جمله کسانی بود که علیه مقررات

1. Merve Kavakci

2. https://www.tbmm.gov.tr/develop/owa/milletvekillerimiz_sd_bilgi?p_donem=26&p_sicil=7025

کودتاچیان به مقاومت برخاست. او پس از ناکامی در محاکم داخلی، براساس این برداشت که بخشی از تعهدات حقوق بشری جمهوری ترکیه را می‌توان از طریق کنوانسیون حقوق بشر اروپایی تعقیب کرد، به قضاوت دیوان حقوق بشر اروپایی پناه برد. با این حال چنان‌که در مقدمه این کنوانسیون حقوق بشری منطقه‌ای آمده است، دیوان کشورهای عضو را «دولت‌های کشورهای اروپایی هم‌فکر که پیشینه مشترکی از رسوم سیاسی، ایدئال‌ها، آزادی و حاکمیت قانون را دارا هستند» می‌بیند. با مطالعه این داوری می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد که دیوان طی وفاداری به تعریف خود از سکولاریسم به‌عنوان وجه مشترک دول اروپایی، حقوق و جایگاه مسلمانان در ترکیه را مشابه با جایگاه ایشان در کشوری که مسلمانان در اقلیت هستند، ارزیابی می‌کند. از سویی پیامد کودتاهای متعدد نشان داد که حجاب یکی از نقاط کانونی تقابل سیاست‌ها در ترکیه است. همچنان هر منازعه قدرت سیاسی میان کمالیست‌های افراطی با نیروهای مخالف آن‌ها، بر سر مسائل مرتبط با حجاب به اوج حساسیت می‌رسد. بنا بر دیدگاه کنوانسیون و در سازگاری با آن عجیب نیست اگر دیوان تمایل به یافتن راهی برای توجیه وضع محدودیت‌های حجاب دیده شود؛ حتی اگر سکولارهای واضع مقررات در ترکیه به شیوه‌ای غافلگیرکننده بر کشور مسلط شده باشند.

به اعتبار آنچه در قضاوت دیوان تجربه شد، بعید نیست دیوان با هدف تقویت اشتراک‌ها میان کشورهای عضو و نمایش وحدت رویه، طی رسیدگی به دعوی ممنوعیت حجاب، حتی تصمیمات رسمی سکولارهای افراطی را معتبر برشمرد و جهت اعتباربخشی به رأی خود از انبوه استدلال‌های تکراری پرونده‌های پیشین بهره‌برداری کند. علاوه بر این، تمایل معطوف به حفظ یکپارچگی کنوانسیون که تعیین‌کننده است، و فقدان اجماع علمای اسلامی طی واکنش به قوانین ممنوعیت حجاب در ابتدای قرن بیست‌ویکم نشان داد استدلال «حجاب به‌مثابه تکلیف تخطی‌ناپذیر زن مسلمان» علیه مقررات منع حجاب، قابل اتکا نیست و به دفاع حقوقی از حق زنان محجبه کمک نمی‌کند.

در پیچیدگی شرایط جمهوری ترکیه همین بس که گروه‌هایی با ادعای پاسداری از اصول بنیادین جمهوری، حجاب را ممنوع کردند و در مقابل ایشان، دیگری هم که ممنوعیت را برداشتند، مدعی دفاع از اصول بنیادین جمهوری هستند. آنچه از تجربه ترکیه در مسئله حجاب و اظهار دین بر می‌آید، تثبیت نقش تعیین‌کنندگی تمایلات مسلط بر حکومت است که البته مسئولیت تأمین لوازم صلح اجتماعی و پلورالیسم نیز بر عهده همان قدرت مسلط است. بر اساس پذیرش اکثریت جامعه

ترکیه، اکنون گروهی قدرت را در اختیار دارند که قرائت ایشان از سکولاریسم و کمالیسم و جمهوریت، ممنوعیت حجاب را بر نمی‌تابد. دیوان نیز در پرونده لیلا شاهین، آشکارا نشان داد به تشکیک و تزلزل در مشروعیت مقامات رسمی دولت تابع کنوانسیون مدد نمی‌رساند، چون حاشیة صلاحدید دولت‌ها را در نظر دارد.

بر اساس مشاهده سیر منحنی ممنوعیت حجاب و رفع آن در دانشگاه‌های ترکیه، در مجموع می‌توان در این ارزیابی با دیوان به اشتراک رسید که مسئله حجاب در جمهوری ترکیه، ابعاد سیاسی انکارناپذیری دارد؛ بنابراین تقویت مشارکت سیاسی معتقدان به حجاب اسلامی، حق تعیین سرنوشت‌شان را تضمین می‌کند و همین، قدرتمندترین ابزار حقوقی را برای حفاظت از آزادی اظهار دین اکثریت تأمین می‌کند. حضور فعال در میدان رقابت سیاسی، مقاومتی مداوم و قاطع در برابر تحمیل احکامی است که ناچار حقوق بشر را محدود به اهداف خاص کنوانسیون‌ها و بی‌اعتنا به ویژگی‌های هویتی و فرهنگی هر جامعه تعریف می‌کند.

فهرست منابع

- امام‌جمعه‌زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمودرضا؛ مرندی، زهره (1392)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، شماره 3.
- بصیری، محمدعلی (1396)، «علت‌کاوی کودتای نافرجام 2016 ارتش ترکیه علیه حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره 37.
- جاوید، محمدجواد (1386)، «دولت فرهنگ دینی در برابر فریگی دولت بی‌دینی؛ جامعه‌شناسی معناگرایی در فرانسه»، نامه صادق، شماره 2.
- داش‌اب، مهریار (1385)، «سیر تحول جنبش الغای مجازات اعدام در شورای اروپا»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره 18.
- داودی، سعید (تاریخ انتشار 22 تیرماه 1395، آخرین بازدید 25 شهریورماه 1399)، «توضیحاتی درباره فتوای آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی پیرامون حجاب»، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: [#https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=4&mid=394283&lid=0](https://makarem.ir/main.aspx?typeinfo=4&mid=394283&lid=0).
- زمانی، قاسم (1393)، «تأملی در برخورد دیوان اروپایی حقوق بشر با ماده 9 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر پایه پرونده لیل شاهین»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره 6.
- سیاری، صبری (1376)، جریانات اسلامی در ترکیه، مترجم: حامد صادقی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- لطفیان، سعیده (1388)، «مداخله نظامیان در سیاست خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 4.
- لوئیس، برنارد (1386)، «گذار به دموکراسی در ترکیه»، مترجم: امین ناصری آراز، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره 237 و 238.
- مکارم شیرازی، ناصر (1386)، احکام بانوان، قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب.
- موسوی، سید فضل‌الله؛ امین رعیا، یاسر (1393)، «بررسی حدود اختیارات کشورهای اروپایی در ممنوع‌کردن حجاب با تکیه بر دکتترین صلاح‌دید دولت‌ها»، مطالعات زن و خانواده، شماره 1.
- موسوی‌زاده، رضا (1386)، «بررسی و نقد رأی دیوان اروپایی حقوق بشر در مقوله پوشش مذهبی در قضیه لیلی شاهین علیه ترکیه»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 4.
- هانی اوغلو، شکرو (1395)، سقوط امپراتوری و تولد جمهوری؛ نگاهی به نقش آتاتورک در پیدایش ترکیه، مترجم: رضا جواد، تهران: لوح فکر.

- Aydinli, E.; Ozcan, N.; Akyaz, D. (2006), "The turkish military's march toward europe", *Foreign Affairs*, 85 (1).
- Aykan, Mehmet (1993), "Turkey and the OIC: 1984-1992", *Milletleraras*, Vol. 23.
- Bleiberg, B (2005), "Unveiling the real issue: Evaluating the european court of human rights' decision to enforce the turkish headscarf ban in leyla sahin v. turkey", *Cornell Law Review*, 91 (1).
- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome, (1950).
- European Court of Human Rights: Case of Leyla Sahin v. Turkey, Application No. 44774/98, (2005).
- Jackson, A. R.; Gozdecka, D. A (2011), "Caught between Different legal Pluralisms: Women who wear Islamic Dress as the Religious Other In European Rights Discourses", *Journal of Legal Pluralism and Unofficial Law*, 64.
- Murphy, T. J. (2015), "Comparative secularism: Leaving room for the holy spirit and headscarves in turkish and american public schools", *California Western International Law Journal*, 45 (2).
- Ostrovsky, A. A (2005), "What's so funny about peace, love, and understanding how the margin of appreciation doctrine preserves core human rights within cultural diversity and legitimises international human rights tribunals", *Hanse Law Review*, 1 (1).
- Ozsunay, E. (2005), "The permissible scope of legal limitations on the freedom of religion or belief in turkey", *Emory International Law Review*, 19 (2).
- Rabasa, Angel-Larrabee, F. Stephen (2008), "The Rise of Political Islam in Turkey", RAND Corporation, Santa Monica.
- Sus, P. (2012), "The AKP in Turkey: Interior Politics and Foreign Issues", *Polish Political Science Yearbook*, 41.
- Toros, E. (2010), "The relationship between Islam and democracy in Turkey: Employing political culture as an Indicator", *Social Indicators Research*, 95.
- Vojdik, V. K. (2010), "Politics of the headscarf in turkey: Masculinities, feminism, and the construction of collective identities", *Harvard Journal of Law and Gender*, 33 (2).
- Wiles, E. (2007), Headscarves, "human rights, and harmonious multicultural society: Implications of the french ban for interpretations of equality", *Law & Society Review*, 41 (3).
- Yanik, Lerna (2011), "Constructing Turkish exceptionalism, Political Geography", Vol. 30, Issue 2.
- Yildirim, S. (2012), "Global tangles: Laws, headcoverings and religious identity", *Santa Clara Journal of International Law*, 10 (1).
- Yilmaz, Ihsan & Barton, Greg & Barry, James (2017), "The Decline and Resurgence of Turkish Islamism: The Story of Tayyip Erdoğan's AKP", *Journal of Citizenship and Globalisation Studies*, 1 (1).

